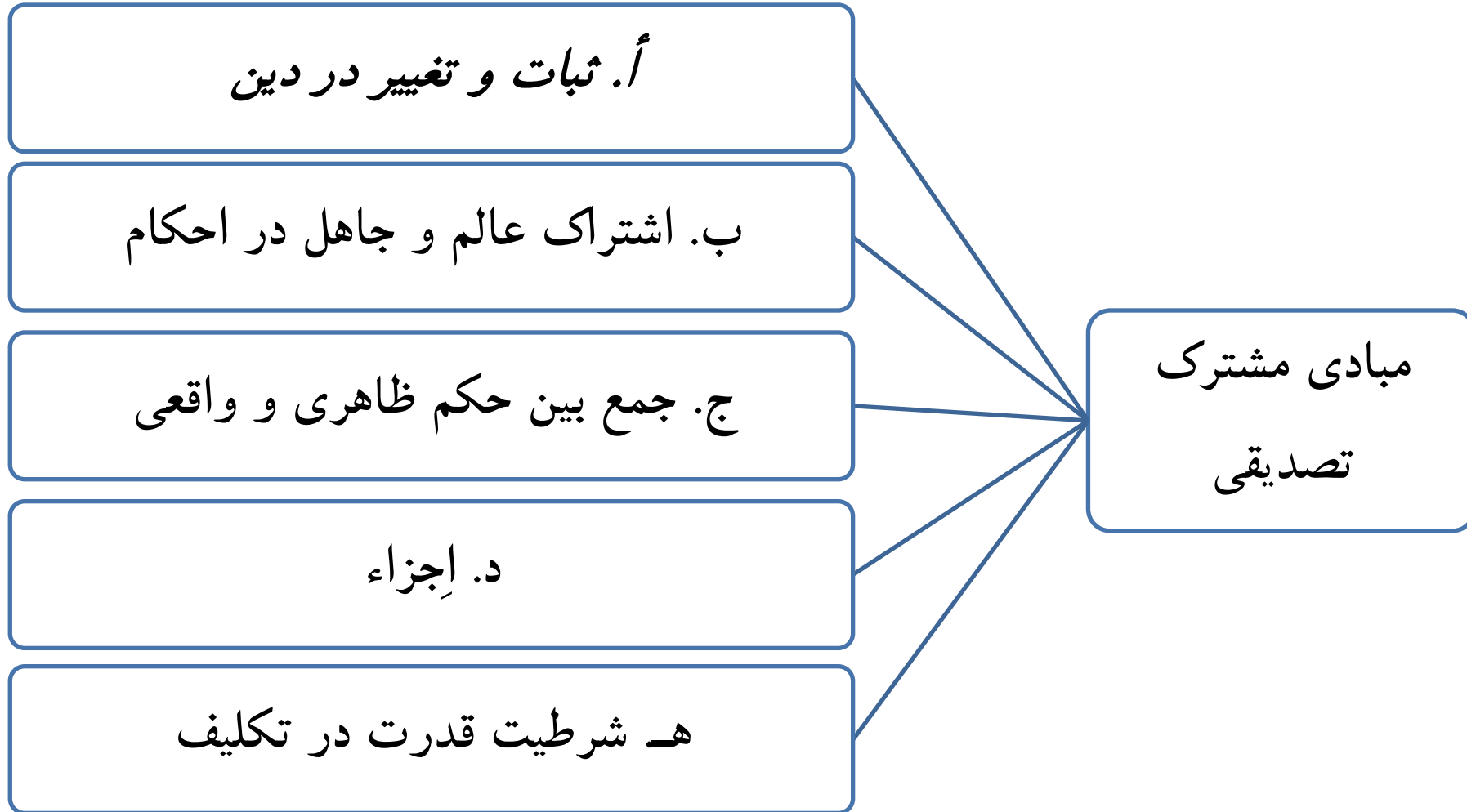


# علم اصول الفقه

٨٣

٩٠-٢-٢٤ تعريف علم اصول فقه

دراسات الاستاذ:  
مهدي الهادي الطهراني



## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام را، حدوداً در سال ۱۳۶۸ مطرح کردیم. از آن زمان تا کنون، این نظریه بارها منتشر شده است. اولین بار در مقالات مربوط به پنجمین کنفرانس دار القرآن در مدرسه‌ی حضرت آیت الله گلپایگانی مطرح و مورد بحث و انتقاد قرار گرفت. در مقاله‌ی زمان و مکان در اجتهاد از دیدگاه امام خمینی با شکلی تغییر یافته دوباره مطرح و مورد بحث و بررسی قرار گرفت. سپس این نظریه با یک تعدیلی در کتاب ولایت فقیه منتشر شد. در بعضی سمینارهای خارج کشور و در مجلات دیگر هم همان شکل از نظریه که در سمینار امام خمینی طرح شده بود، مطرح گردید. شکل نسبتاً کامل نظریه در بحث مبانی کلامی اجتهاد ذکر شد و با یک کمی اصلاحات و تکمیل، در ابتدای کتاب مکتب و نظام اقتصادی اسلام قرار گرفت.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- تا کنون دیدگاه‌های بسیار زیادی در مورد این نظریه رایج شده و سعی بر این بوده که نظریه با اساتید معروفی چون آقای مصباح، آقای امینی، آقای سبحانی مورد مطالعه قرار گیرد. به نظر من این نظریه به قدری واضح و روشن است که از قبیل قضایای فطری - قضایایی که قیاساتها معها است - می‌باشد. یعنی اگر کسی بتواند این نظریه را تصور کند، آن را تصدیق می‌نماید. پیکره‌ی اصلی نظریه بسیار واضح است و شاید همین وضوح موجب گشته که چندان مورد توجه قرار نگیرد. مطالب مطرح در این نظریه در اسلام تازگی ندارد؛ آنها همیشه در اسلام بوده و هست؛ ولی شاید آن قدر واضح بوده که طرح آنها از سوی علما لازم نبوده است و یا علما نیازی نمی‌دیدند که آنها را بیان کنند. آنها بر اساس نیازهای زمان و مکان خود به طرح مباحث می‌پرداختند و در زمان آنها نیازی به طرح اسلام به صورت یک نظام سیستمی وجود نداشت. اما امروز این بحث مطرح است. حتی قبل از طرح نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون، در همین دوران متاخر کسانی همانند شهید صدر و شهید مطهری، مرتبط بودن مفاهیم اسلامی به هم را مطرح کرده‌اند و معتقد بودند که اسلام، مجموعه‌ای مرتبط و سیستمی است و صاحب نظام می‌باشد. بنابراین امروز با طرح دیدگاه سیستمی و نظام‌مند اسلام، نیاز به بحث‌های جدی در این زمینه احساس می‌شود.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- البته مرتبط بودن عناصر دین خاتم با یکدیگر، مطلبی نیست که امروز مورد توجه قرار گرفته باشد. در نزد علمای گذشته نیز این مطلب واضح بوده است. آنها هم بر این باور بودند که اسلام، اجزای پراکنده و بی‌ارتباط به هم نیست.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- سید مرتضی در ذریعه به ارتباط مسایل علوم در حوزه‌ی اسلامی با یکدیگر اشاره می‌کند و می‌گوید: اگر بخواهیم هر چه را که جنبه‌ی مقدمیت برای علم اصول دارد، در اصول ذکر کنیم، آن وقت باید همه چیز را در اصول بیاوریم.
- این سخن سید مرتضی نشانگر ارتباط مسایل کلامی، فلسفی، اصولی با یکدیگر و تأثیر دیدگاه‌های هر یک از آنها بر دیگری است.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- نقطه‌ی کلیدی در نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون در اسلام این است که اسلام در هر زمینه از زمینه‌های حیات بشر، مجموعه‌ای مرتبط از مفاهیم را عرضه کرده است. این مفاهیم اختصاص به زمان و مکان خاصی ندارد و به تعبیر شهید مطهری ثابت و به تعبیری که ما اینجا به کار می‌بریم، جهان شمول است.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- اقتصاد، سیاست، تربیت، قضاوت و... هر کدام زمینه‌ای از حیات بشر هستند که بر اساس این نظریه، اسلام در هر یک از آنها مجموعه‌ای مرتبط از مفاهیم را عرضه کرده است. در اینجا برای روشن شدن مطلب، تطبیق نظریه را بر زمینه‌ی اقتصاد توضیح می‌دهیم، و با اصطلاحات فلسفه، مبانی، اهداف مکتب و... که در این نظریه به کار می‌روند، آشنا می‌گردیم.



## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- این مقاله در جلد سوم از مجموعه مقالات سمینار، به چاپ رسید.
- بحث نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام و تطبیق آن در حوزه‌ی اقتصاد و استخراج دیدگاه‌های اقتصادی اسلام بر اساس این نظریه، در کتاب مکتب و نظام اقتصادی اسلام مطرح شده است.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- در زمینه‌ی نظریه اندیشه‌ی مدون در اسلام، تلاش‌های ابتدایی دیگری نیز صورت گرفته است. سید حسین میر معزی کتابی تحت عنوان مبانی فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی دارد که در زمینه‌ی همین نظریه به نگارش در آمده است. وی رساله‌ی فوق لیسانس خویش را تحت عنوان دیدگاه‌های اقتصادی حضرت امام، بر اساس همین نظریه تنظیم نمود. استاد راهنمای این رساله دکتر نمازی، وزیر اقتصاد و دارای پیشین، و استاد مشاور بنده بودم. در کتاب «مبانی فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی»، شمایی از فلسفه‌ی اقتصادی اسلام نشان داده شده است.

## نظریه‌ی اندیشه مدون در اسلام

- از دیگر کسانی که در این زمینه کار کرده‌اند، آقای بخشی از مؤسسه‌ی آموزشی و پژوهشی مؤسسه‌ی امام خمینی است. وی رساله‌ی خویش را در زمینه‌ی مدیریت که در باب انگیزش می‌باشد، با توجه به این نظریه نوشته است.

## نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون (نظام‌مند) در اسلام

---

اسلام به عنوان دین خاتم، کامل‌ترین دین مُرسَل و در بردارنده‌ی تمام آنچه را که باید از دین نفس الامری به وحی بیان گردد، می‌باشد. از این رو، ما در هر حوزه از حیات انسان، خواه فردی و خواه اجتماعی، توقع داریم شاهد موضع‌گیری اسلام و ارائه‌ی رهنمود باشیم.

این رهنمودها که در واقع عناصر تشکیل دهنده دین می‌باشند، به دو دسته قابل تقسیم هستند:

۱. عناصر دینی‌ای که نمود جهان‌بینی اسلام در یک حوزه‌ی خاص، مانند مدیریت، سیاست یا اقتصاد، می‌باشد و نسبت بین آنها و جهان‌بینی اسلامی، همان نسبت جزئی به کلی، یا صغری به کبری است. این گونه عناصر از قبیل قضایای «هست» می‌باشند و رنگ کلامی - فلسفی دارند، مانند بحث از کیفیت داوری در روز جزا و تجسم اعمال در مدیریت، یا بررسی سلطه‌ی تکوینی خداوند در حوزه‌ی مباحث سیاسی، یا مطالعه رازقیّت او در زمینه‌ی اقتصاد. ما از این عناصر به عنوان «فلسفه» یاد می‌کنیم. پس «فلسفه‌ی اقتصادی اسلام» مجموعه عناصری از اسلام در حوزه اقتصاد است که نمود جهان‌بینی و از جزئیات آن محسوب می‌شود.

۲. عناصر دینی‌ای که نتایج جهان‌بینی اسلامی و به خصوص فلسفه‌ی آن - یعنی عناصر دسته اول - هستند.

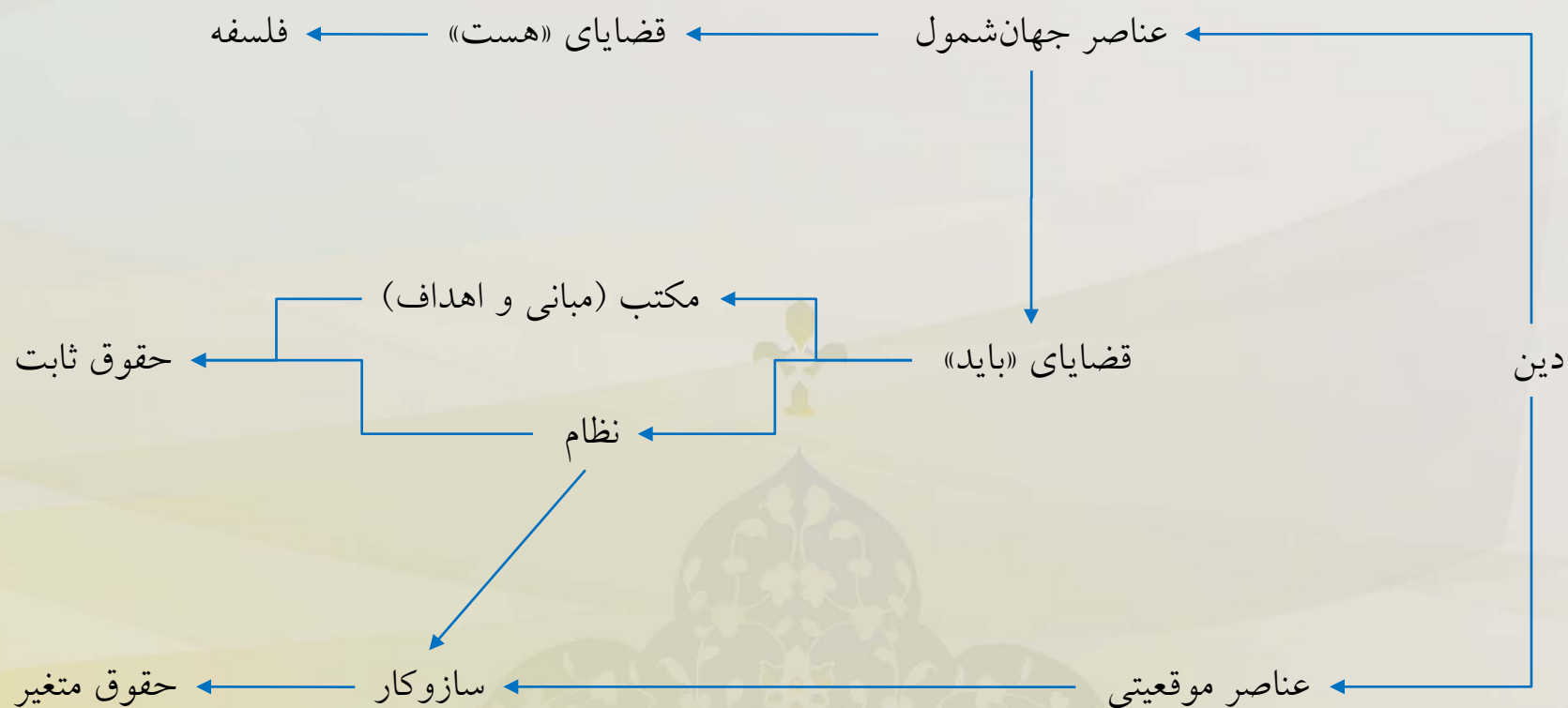
این عناصر از قبیل قضایای «باید» می‌باشند و جنبه اعتباری دارند و به نوبه‌ی خود به دو گروه تقسیم می‌شوند:

أ. برخی از این عناصر جنبه‌ی زیر بنا برای بقیه دارند و به نحوی آنها را تبیین و تعیین می‌کنند. این عناصر یا به صورت اصول و امور مسلم در یک زمینه می‌باشند که از آن به «مبانی» یاد می‌کنیم. و یا اغراض و مقاصد دین را در یک حوزه مشخص می‌نماید که به آن «اهداف» می‌گوییم. مجموعه‌ی این مبانی و اهداف، «مکتب» را تشکیل می‌دهند. پس «مکتب مدیریتی اسلام» همان مجموعه‌ی مبانی و اهداف مدیریتی اسلام می‌باشد.

ب. بر اساس مبانی موجود در یک زمینه، برای رسیدن به اهداف همان زمینه، مجموعه عناصری در دین ارائه شده است که از آن به عنوان «نظام» یاد می‌شود، و در واقع دستگاه نهادهای جهان‌شمول می‌باشد.

همچنین چهره‌ی قانونی این عناصر در قالب  
حقوق و احکام ثابت ترسیم شده است.

بنابراین، ما در هر ساحت از حیات بشر با چهار گروه از عناصر جهان شمول: فلسفه، مکتب، نظام و حقوق مواجه هستیم، که بین آنها ارتباط مستحکم و منطقی وجود دارد.





- وقتی سخن از «فلسفه» در این بحث به میان می‌آید، مراد متافیزیک و ماوراء الطبیعة نیست که در فلسفه‌ی رایج اسلامی به آن توجه می‌شود. بلکه مقصود مفهومی نزدیک به فلسفه‌های مضاف، مانند فلسفه‌ی ریاضی و فلسفه‌ی هنر می‌باشد.

- در فلسفہ‌های مضاف از چهار امر بحث می‌شود:
- ا. تاریخ تحوّل آراء
- ب. مبانی،
- ج. روش‌ها،
- د. تعامل علم با سایر علوم

- و در اینجا مراد ما از «فلسفه» فقط مبانی برخاسته از اسلام و جهان بینی آن است.

- با این وصف، «فلسفه‌ی علم اقتصاد» یا «فلسفه‌ی اقتصاد» (۱۸) از مبانی، روش‌ها و تاریخ تحوّل آراء در این علم بحث می‌کند. در حالی که اگر ما در زمینه‌ی اقتصاد به دنبال «فلسفه‌ی اقتصادی اسلام» هستیم، در واقع اموری را جست‌وجو می‌کنیم که نمود اعتقادات اسلامی در حوزه‌ی اقتصاد محسوب می‌شود و به عنوان مبنایی برای «مکتب اقتصادی اسلام» تلقی می‌گردد.

- مطالبی مانند، مدبریت و رزاقیت و مالکیت مطلقه ی خداوند متعال، محدودیت یا عدم محدودیت نیازهای انسان و منابع طبیعی موجود در این جهان، که به نوعی در مبانی و اهداف اقتصادی تأثیر می گذارند، در فلسفه ی اقتصادی اسلام مورد بحث قرار می گیرد.

- می‌دانیم اسلام دارای یک سری اعتقادات است که باور به آنها، در رسیدن انسان به هدف مطلوب (هدفی که برای آن خلق شده)، دخالت دارد. بحث در امور اعتقادی از نوع بحث‌های فلسفی و کلامی است یعنی آنها از حقایق هستند. این مفاهیم اعتقادی با مفاهیم دیگر بشری در زمینه‌های مختلف حیات، ارتباط دارند و در آنها نمود پیدا می‌کنند. بخشی از آنها با مفاهیم اقتصادی مرتبط است.

- مثلاً در اعتقادات، خداوند را صاحب صفاتی می‌دانیم و آن صفات را به دو دسته تقسیم می‌کنیم: ا. صفات ذات. ب. صفات فعل. یکی از صفات فعل «رازق» است. خدا روزی دهنده‌ی مخلوقات خویش است. بحث در مورد صفات خداوند، یک بحث کلامی است و صبغهی کلامی و اعتقادی دارد. اما همین بحث اعتقادی با اقتصاد ارتباط پیدا می‌کند و در آن نمود می‌یابد.

- اقتصاد در یک تعریف ابتدایی، دانشی است که در مورد منابع کمیاب سخن می‌گوید. و مراد از منابع کمیاب، منابعی است که اگرچه همه‌ی ابنای بشر نمی‌توانند بی‌حد از آنها استفاده کنند ولی به هر حال در حیات بشر دخالت دارند. این منابع در یک معنای وسیع در رزق قرار می‌گیرند؛ زیرا رزق فقط آب و غذا نیست؛ بلکه تمام چیزهایی را در بر می‌گیرد که بشر در معیشت به آن نیازمند است. بنابراین مفهوم رازقیت خداوند که یک مفهوم اعتقادی است، در حوزه‌ی اقتصاد معنا دار می‌شود و آنجا است که نسبت به بعضی مطالب اقتصادی، دآوری‌ها و نتیجه‌گیری‌هایی آشکار می‌گردد.



- به عنوان نمونه: دیدگاه‌های بدبینانه‌ای در مورد اقتصاد وجود دارد. گفته می‌شود: رشد جمعیت در مقایسه با رشد منابع به گونه‌ای است که به مرور زمان، منابع پاسخ گوی نیاز بشر نخواهد بود و بشر حتماً به نقطه‌ی قحطی می‌رسد. این همان بحثی است که مالتوس مطرح کرد. او گفت: رشد بشر تصاعد هندسی دارد و رشد منابع تصاعد حسابی. در نتیجه به مرور اینها خیلی از هم فاصله می‌گیرند. و منابع جواب-گوی بشر نخواهد بود. در مقابل، شهید صدر معتقد است که نظریه‌ی مالتوس با روایات و آیاتی که خداوند را رازق معرفی می‌کند، تنافی دارد.

- با توجه به این نمونه واضح می‌شود که چگونه آن امر اعتقادی در این بحث اقتصادی معنا دار می‌شود و قضاوت‌هایی نسبت به آن ارایه می‌گردد. اگر خداوند رازق است که هست، هیچ‌گاه نظریه مالتوس درست نخواهد بود. این نمونه، یکی از گزاره‌های مطرح در این زمینه است. اگر مجموعه‌ی عقاید خویش را جست‌وجو کنیم، مفاهیم متعددی در رابطه با اقتصاد می‌توانیم استخراج کنیم.

- ما نام این مجموعه از مفاهیم را که از حوزه‌ی عقاید دینی در زمینه‌ی اقتصاد به دست می‌آید و نمود اعتقادات اسلام در حوزه‌ی اقتصاد محسوب می‌شود، فلسفه‌ی اقتصاد اسلام می‌نامیم. به عبارت دیگر بخشی از فلسفه‌ی اقتصاد، همین مفاهیم تکوینی است. ما در فلسفه‌ی اقتصادی اسلام، دیدگاه اسلام را نسبت به جهان، نسبت به انسان و ارتباط انسان با جهان مطرح می‌کنیم و از آنجا که این بحث‌ها همانند دیگر مفاهیم اعتقادی از مفاهیم تکوینی هستند و ناظر به حقایق دینی می‌باشند، بحث فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی، صبغه‌ی کلامی و فلسفی دارد. در فلسفه‌ی اقتصاد اسلامی از امور اعتباری صحبت نمی‌شود.

- اسلام در حوزه‌ی اقتصاد، اهدافی نیز دارد. او در وضعیت اقتصادی، خواهان تأمین یک سری چیزها و تحقق یک سری شاخص‌ها است. شهید صدر در کتاب اقتصادنای خویش به صورت کامل، تمامی اهدافی را که اسلام برای اقتصاد در یک حکومت اسلامی دنبال می‌کند، توضیح می‌دهد. نمونه‌های زیر برخی اهدافی هستند که در اقتصاد اسلامی مطرح می‌شود.

- اسلام خواهان برخورداري افراد جامعه از حداقل امکانات لازم برای زندگی است. اسلام می‌خواهد که فاصله‌ی بین طبقاتی که از سهم بالای اقتصادی برخوردارند و طبقاتی که از سهم پایین برخوردارند، در یک حد قابل تحملی باشد. او اصرار ندارد که سهم همه‌ی مردم از امکانات اقتصادی، مساوی باشد. اسلام تساوی را عدالت نمی‌داند زیرا اعتقاد دارد که توانایی‌های افراد متفاوت است. اما سعی کرده این تفاوت در حد قابل تحمل و معقولی باقی بماند. او در یک نظام مشخص و معینی که در جای خود توضیح داده شده است، سعی کرده تحقق این اهداف را عینیت بخشد. یکی از چیزهایی که برای از بین بردن فاصله‌های طبقاتی غیر قابل تحمل و غیر معقول در اسلام مطرح می‌شود، زکات است. آیه‌ی «کیلا یکون دولة بین الاغنیاء منکم» که به عنوان نکته‌ی زکات بیان می‌شود، اشاره به همین مطلب دارد. به طور کلی در جامعه‌ی اسلامی، سامان دهی باید به گونه‌ای باشد که اهداف اقتصاد اسلامی در آن تأمین گردد.
- . حشر، ۷.

- اسلام در حوزه‌ی اقتصاد اسلامی اضافه بر اهداف، یک سری مبانی دارد که از سنخ مفاهیم اعتباری-اند و جزو مباحث فلسفی به شمار نمی‌آیند. یکی از مهم-ترین مبنای اقتصاد در اسلام، مالکیت است. به تعبیر دیگر مالکیت، یکی از پیش فرض‌های اقتصادی می‌باشد. اسلام اولاً بر خلاف برخی اقتصاددانان بزرگ که مالکیت را نوعی دزدی می‌دانند و آن را نمی‌پذیرند، اصل مالکیت را می‌پذیرد و ثانیاً آن را به انواعی تقسیم می‌کند. در اسلام مالکیت خصوصی، مالکیت دولتی، مالکیت مجموعه‌ای از مسلمانان و... به عنوان انواعی از مالکیت مطرح هستند.

- باز از جمله مبانی اقتصادی اسلام، آزادی اقتصادی است. انسان‌ها در نظر اسلام می‌توانند در زمینه‌های مختلف اقتصادی فعالیت کنند. و اگر چه مرز این آزادی‌ها در اسلام معین شده است، اما اصل آزادی امری مسلم و مورد پذیرش اسلام است.

- ما به مجموعه‌ی مبانی اقتصادی اسلام و اهداف اقتصادی اسلام، مکتب اقتصادی اسلام می‌گوییم. کتاب اقتصادنا در واقع توضیح مکتب اقتصادی اسلام است. در این کتاب نه چندان به فلسفه‌ی اقتصادی اسلام پرداخته شده و نه چندان به بحث نظام که بعداً توضیح می‌دهیم. بیشترین هم‌شهد صدر، کشف مکتب اقتصادی اسلام بوده و بحث‌های دیگر را به صورت استطرادی مطرح کرده است.



- همه‌ی مفاهیم در مکتب اقتصادی اسلام از سنخ مفاهیم اعتباری-اند. مالکیت، آزادی اقتصادی، انواع مالکیت، این که باید فاصله‌ی فقیر و غنی در حد معینی باشد و به طور کلی همه‌ی بایدها، نوعی اعتبار هستند. از این رو همان طور که قبلاً نیز گفتیم، استنباط مکاتب و از جمله مکتب اقتصادی اسلام، یکی از وظایف فقها است. مکتب اقتصادی، مکتب سیاسی،... در حوزه فقه است و استنباط آنها کار فقها.

- از آن جا که اصطلاحات اهداف، مبانی، مکتب و... تفاسیر مختلفی دارند، در انتخاب اسامی در این نظریه سعی شده نزدیک-ترین مفهوم به مفاهیم شناخته شده‌ی این اصطلاحات در نظر گرفته شود.

- کار شهید صدر در اقتصادنا اولین نمونه و شاید بزرگ-ترین کار در زمینه‌ی شناسایی مکتب اقتصادی اسلام بود. شاید هنوز هم اثر او در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی از بزرگ-ترین آثار در این حوزه باشد. کتاب شهید صدر، تنها کتابی است که تمام محیط-های سنی به عنوان کتاب بسیار بسیار مهم می‌شناسند. حتی در دانشگاه‌های عربستان این کتاب به عنوان کتاب درسی مورد استفاده قرار می‌گیرد. خیلی از اساتید برجسته‌ی آن دانشگاه‌ها که نگاه حاد سلفی و وهابی داشتند، درس گرفتن این کتاب و شاگردی آن را از افتخارات خود می‌دانند. آنها این کتاب را بهترین در اقتصاد معرفی می‌کنند.

- همه‌ی کارهایی که بعد از ایشان در زمینه‌ی اقتصاد اسلامی انجام شد، عمدتاً ناظر به مکتب اقتصادی اسلام و مُلْهُم از کتاب وی است. کتاب اقتصادنا، به عنوان مرجع اصلی اقتصاد اسلامی مطرح می‌باشد و مکتب اقتصادی اسلام به دلیل این کتاب مورد توجه قرار گرفته است.

- همین جا یادآور می‌شویم که شهید صدر وقتی مکتب اقتصادی اسلام را بیان می‌کند. می‌گوید من فقط می‌خواهم الگویی نشان دهم تا معلوم گردد که مکتب اقتصادی اسلام معنا دارد. خود او تصریح دارد که برخی از آن‌چه در کتاب ذکر نموده، به عنوان یک دیدگاه مورد قبول خودش نیست. یعنی آنها چیزهایی هستند که دیگران پذیرفته‌اند، اما نظر شخص شهید صدر بر آنها تطبیق نمی‌کند. به عبارت دیگر شهید صدر فقط در صدد طرح دیدگاه خودش در کتاب اقتصادنا نبوده است، از این روی از دیدگاه‌ها و فتاوای دیگران هم استفاده کرده است؛ زیرا او فکر می‌کرد کشف مکتب یک متمدن بیشتر ندارد. به همین جهت مجبور شد از همان روش استفاده کند. اما ما متمدن‌ها را متعدد می‌دانیم و روش‌های دیگری را نیز مطرح می‌کنیم. بنابراین با محدودیت شهید صدر از این جهت مواجه نیستیم و بالطبع در کتاب نظام و مکتب اقتصادی اسلام سعی کردیم نظر خودمان را ارایه نماییم.

- نکته‌ی دیگری که در این نظریه مورد توجه قرار می‌گیرد، این است که اسلام چگونه بر اساس مبانی به اهداف خویش دست می‌یابد؟

- اسلام بین مبانی و اهداف یک سری مفاهیم قرار داده تا جامعه را بر اساس مبانی به اهداف مورد نظر اسلام برساند. این مفاهیم با هم مرتبطند. این مجموعه‌ی مرتبط را، نظام می‌نامیم. بنابراین فرضاً نظام اقتصادی اسلام مجموعه‌ای از مفاهیم (نهادها) است که بر اساس مبانی اقتصادی اسلام، جامعه را به سوی اهداف اقتصادی اسلام سوق می‌دهد.

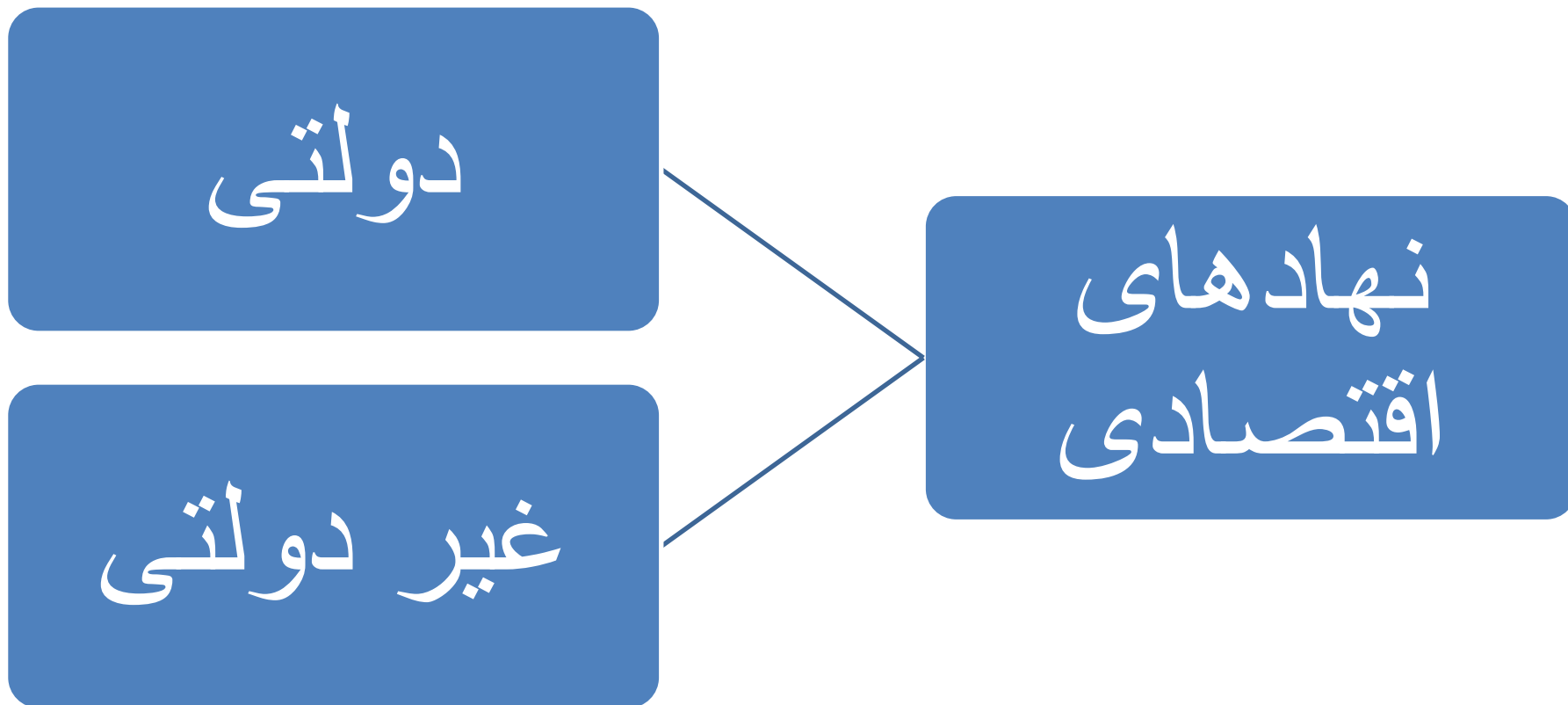
- عناصری که نظام را تشکیل می دهند؛ نهاد می نامیم. مقصود ما از نهاد، سازمان و اداره به معنایی که امروزه به کار می رود، نیست. ما این کلمه را نزدیک به معنایی که در جامعه شناسی مورد استفاده قرار می گیرد، به کار می بریم.



- مقصود از نهاد، یک رفتار تثبیت شده در جامعه است که می تواند در قالب سازمان و اداره شکل گیرد و می تواند نتیجه ای مترتب بر مجموع کارکردهای اقتصادی باشد.

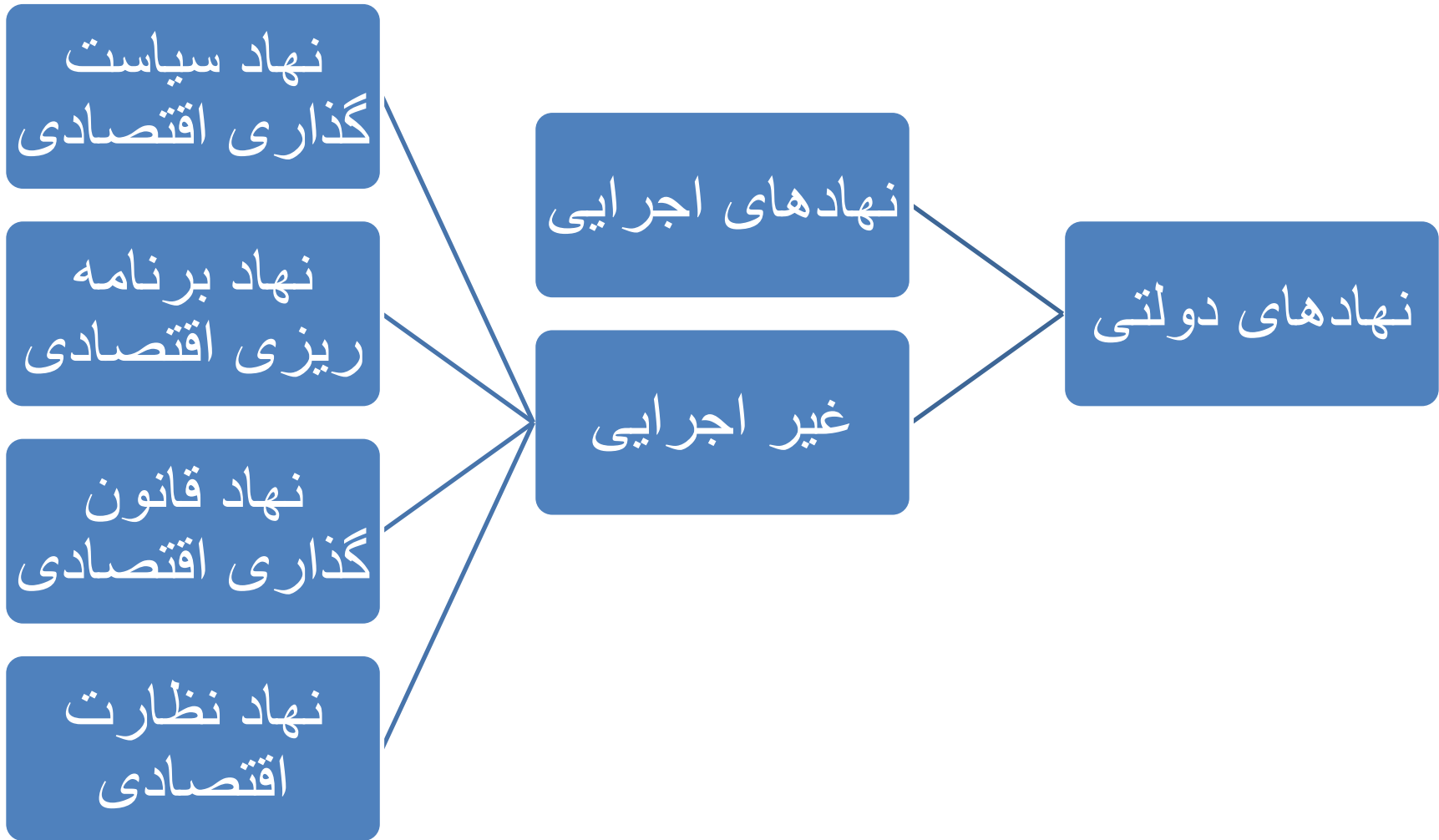
- مثلاً در بحث اقتصاد، قرض الحسنه به عنوان نهاد کمک‌های معوض مورد بحث قرار می‌گیرد. شکل حقوقی این نهاد، قرض الحسنه است اما عینیت خارجی آن به شکل‌های گوناگون صورت می‌پذیرد. گاهی در قالب قرض یک شخص به شخص دیگر در می‌آید و گاهی به شکل قرض بانک یعنی قرض یک شخص حقوقی به شخصیت‌های حقوقی دیگر یا به شخصیت‌های حقیقی. یکی از وظایف بانک‌های امروزی، قرض الحسنه است. پس بانک نوعی عینیت نهاد کمک‌های معوض است و البته عینیت نهاد های دیگری هم هست چون تنها وظیفه‌ی آن قرض الحسنه نیست.

- همان گونه که در خود این نظریه بیان شده، در بحث اقتصاد مثلاً، نهادهای اقتصادی به دو قسم نهادهای دولتی و نهادهای غیر دولتی تقسیم شده است.



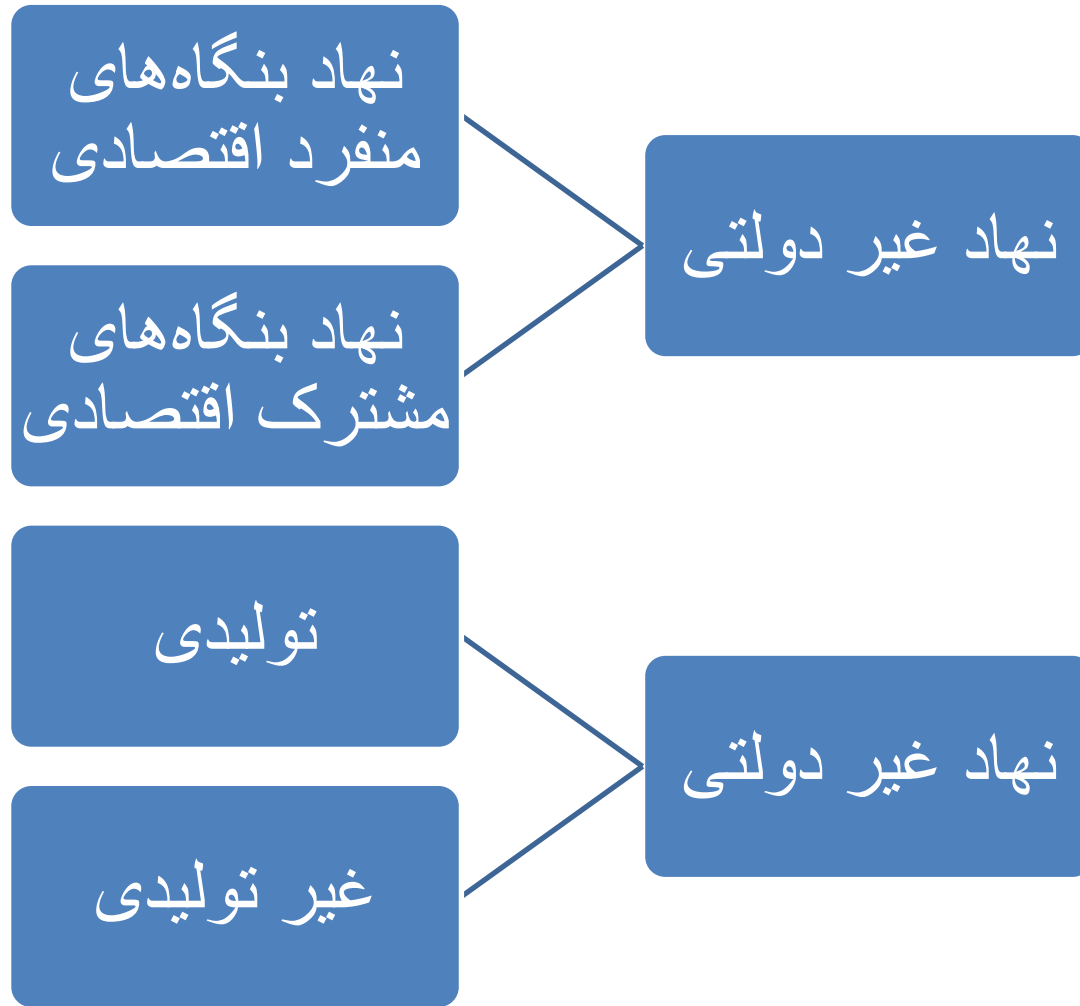
- مقصود از نهاد غیر دولتی، نهادی است که تکفل دولت در آنها لازم نیست. به تعبیر امروزی این نهادها را خصوصی می‌نامیم.

- نهادهای دولتی در یک طبقه بندی به نهادهای اجرایی و غیر اجرایی تقسیم می‌شوند. نهاد سیاست گذاری اقتصادی، نهاد برنامه ریزی اقتصادی، نهاد قانون گذاری اقتصادی و نهاد نظارت اقتصادی، در زیر مجموعه‌ی نهاد دولتی غیر اجرایی قرار می‌گیرند.



- نهاد غیر دولتی همه به نوبه‌ی خود به نهاد بنگاه‌های منفرد اقتصادی و نهاد بنگاه‌های مشترک اقتصادی از یک سو و به نهاد تولیدی و نهاد غیر تولیدی از سوی دیگر طبقه بندی می‌شود. این اصطلاحات و نحوه‌ی ارتباط آنها با یکدیگر در جای خود شرح داده شده‌اند.





- شهید صدر در کتاب اقتصادنا به طرح نظام به آن معنایی که در نظریه اندیشه‌ی مدون در اسلام بیان شده، نپرداخته است. ولی گاهی کلمه‌ی نظام و کلمه‌ی مذهب را در معنای مکتب (که در نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون توضیح دادیم) به کار می‌گیرد. به همین دلیل آنچه در کتاب نظام اقتصادی اسلام (نوشته‌ی مؤلف و صاحب نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون) مطرح می‌شود، چیزی فراتر از اقتصادنا‌ی شهید صدر را بیان می‌نماید. البته در مورد اهداف و مبانی، اصل فکر از شهید صدر است. آنچه در این دو مورد بیان کرده‌ایم عمدتاً نظر وی می‌باشد و ما فقط یک نظم و نسقی به آنها داده، اجزایی را کم یا اضافه نمودیم.

- عناصری که در نظام وجود دارند یا تأسیسی‌اند و یا امضایی، مثلاً در نظام اقتصادی اسلام ممکن است خود شارع در ابتدا عناصر نظام را ایجاد کند و ممکن است چیزهایی را که در اقتصاد و روابط اقتصادی وجود داشته، امضا نماید. مسلماً آنچه را که امضا نموده بر اساس همان مبانی پذیرفته شده‌اش می‌باشد و در آن مجموعه جایگاه مشخصی دارد. بنابراین عناصر امضایی و تأسیسی هر دو به یک اندازه شرعی هستند و این گونه نیست که تأسیسیات، شرعی باشند و امضاییات، عرفی و عقلایی. وقتی شارع عناصری را امضا نماید، به عناصر شرعی تبدیل می‌شود.

- در کشف نظام و مکتب، بخصوص در نظام، اضافه بر منابع نقلی (قرآن و روایات)، ممکن است منابع عقلی هم وجود داشته باشد. زیرا در اسلام عقل به عنوان یک منبع برای کشف دین پذیرفته شده است. به عبارت دیگر اگر چه این طور نیست که هر قضاوت عقلی، ولو ظنی و مشکوک، اعتبار و ارزش داشته باشد، ولی اینطور هم نیست که در اسلام داوریه‌های عقلی به طور کلی کنار گذاشته شود. ما در کشف عناصر دینی، در حصار نقل (کتاب و سنت) محدود نیستیم. عقل به خصوص در تشیع همواره به عنوان منبع مهم و اصلی مطرح بوده است.

- عناصری که در مکتب و نظام بحث می‌شوند از سنخ اعتباریات و مجعولات شرعی هستند، از این رو استنباط مکتب و نظام، یک کار فقهی است. اما فلسفه که ناظر به امور تکوینی است، در زمره‌ی کارهای فلسفی و کلامی قرار می‌گیرد.

- البته دوباره متذکر می شویم که در فقه متعارف، فقیه فقط به استنباط احکام و قوانین می پردازد. ولی با پذیرش مفاهیمی که در نظریه‌ی اندیشه‌ی مدون مطرح شد، معلوم می گردد که کار فقیه توسعه‌ی بیشتری دارد. به عبارت دیگر پذیرش مکتب و نظام اسلامی، لوازمی دارد. اولین لازمه‌ی آن، این است که حوزه‌ی کار فقیه را در کشف احکام منحصر ندانیم و کشف مکاتب و نظام‌های اسلامی را نیز جزو وظایف فقها بشماریم.